خوابِ وجين‌گر

خواب چون درفکند از پايم

خسته مي‌خوابم از آغازِ غروب

ليک آن هرزه علف‌ها که به دست

ريشه‌کن مي‌کنم از مزرعه، روز،

مي‌کَنَم‌ْشان شب در خواب، هنوز...

۱۳۳۸ (؟)